

پرونده

حمله شبانه به خانه مدافع حقوق حیوانات در تبریز
سک آزارها با کمه
به خونخواهی آمده بودند



شهروند | مدافع حقوق حیوانات در تبریز مورد ضرب و شتم قرار گرفت. زن جوانی که بیش از ۱۱ سال سابقه حمایت از حیوانات را دارد، ماجرا به شامگاه ۱۷ دی ماه برمی گردد. ساعت ۱۲ شب بود که پیامک‌هایی به مدیر پناهگاه ارسال شد که نشان می‌داد حیوان بیماری احتیاج به مداوا دارد. همین جا بود که ماجرای حمله شبانه کلید خورد. ژیل پورایرانی، مدیر پناهگاه حیوانات که مورد ضرب و شتم و تهدید ۳ مرد و یک زن قرار گرفته است، درباره جزئیات این حمله به «شهروند» گفت: «ماجرای این قرار است که یک قلابه سگ که بسیار شکنجه شده بود را به کلینیک من آوردند. سگ متعلق به مردی معتاد بود که این حیوان را تا حد مرگ شکنجه داده بود. سگ را با تاتو سوزانده بود و در حمام به حدی حیوان را داخل وان زیر آب گرفته بود که تمام ریه سگ پر از آب بود. این سگ را یکی از بستگان مرد حیوان آزار به من تحویل داد و خواسته بود که از این سگ مراقبت کنم. کارهای درمانی لازم انجام شد اما سگ تاب نیاورد و تلف شد. آن شب که این حادثه رخ داد، یک ناشناس به من پیامک داد که حیوانی دارم بسیار ناخوش است و باید حتما معاینه شود. ساعت چند دقیقه مانده بود به ۱۲ شب از او خواستم به کلینیک مراجعه کند اما اصرار داشتند که حیوان شان شدت مریض است، و گر نه می‌میرد. پشت در خانام بودند، پالتوام را تم کردم و تا در را باز کردم، به سمت حمله کردند، فحاشی می‌کردند. ۳ مرد و یک زن بودند. زن جوان دست‌هایم را گرفته بود و اجازه نمی‌داد حرکت کنم. می‌خواستیم فرار کنم و با پلیس تماس بگیرم اما نمی‌شد. درگیری بالا گرفته بود که پدرومادرم آمدند. مادرم را هول دادند. قمه و زنجیر دست‌شان بود. یک مرد که به سوی تندالک می‌داد، می‌گفت برو سگم را بیاور. سگ ترسیده بود. همان سگی را می‌گفت که کارهای مداوایش را انجام داده بودیم اما تلف شده بود. گفتم سگ تلف شد، گواهی فوت را هم دارم، اما همچنان نعره می‌زد و تهدید می‌کرد می‌خواست قمه تیرتیر بیاورد تا من را بکشد، در یک لحظه توانستم با پدرومادرم از دست‌شان فرار کنیم و به سمت ساختمان برویم، در را بستم اما همچنان زن ناشناس همراه ما بود. نمی‌گذاشت به پلیس زنگ بزنم، تا این که خودم را از دستش آزاد کردم و شماره ۱۱۰ را گرفتم. همین طور که به پلیس آدرس می‌دادم، صدای تهدیدهای مردان قمه به دست می‌آمد که بالاخره من را می‌کشند یا در اسید می‌سوزانند. با پایان مکالمه مردان سوار خودرو شدند و رفتند اما همچنان زن جوان در خانه‌مان بود تا این که صدای آژیر پلیس را شنید، در یک لحظه فهمیدم چطور فرار کرد و رفت.» او در ادامه می‌گوید: «با حضور ماموران کلانتری ۱۲ تبریز واقعه شامگاه ۱۷ دی ماه صورت جلسه شد تا عوامل حمله به خانم دستگیر شوند. در حال حاضر هم پلیس به دنبال این افراد هستند.»

ژیل پورایران ۱۱ سال است که حمایت از حیوانات را انجام می‌دهد. او در حال حاضر از ۲ هزار سگ در پایگاهش که بزرگترین و استانداردترین پایگاه ایران است، نگهداری و حمایت می‌کند. او می‌گوید: «کار ما نگهداری، واگذاری حیوانات و عقیم‌سازی است. ما یک سازمان مردم‌نهاد رسمی هستیم. در حمایت از حقوق حیوانات هزینه‌های زیادی داده‌ایم و پیش از این، یک پایگاه دیگری داشتیم که هم قدیمی بود، هم استانداردهای لازم را نداشت. صاحبان زمین‌های اطراف مدام برایم مشکل‌سازی می‌کردند اما از زمانی که به این پایگاه جدید آمدم، مشکلی نداشتم تا این که ماجرای این حمله شبانه رخ داد. امیدوارم روزی برسد که مردم با حیوانات مهربان باشند و دیگر هیچ حیوان آزاری نداشته باشیم.»

هر کسی که در خانه شما حضور دارد باید بداند هنگام وقوع زلزله چه اقدامی انجام دهد حتی اگر شما موقع وقوع حادثه آنجا نباشید.

درگیری مرگبار دانش آموزان شیرازی

درگیری چهار دانش آموز در اطراف یک دبیرستان در شیراز منجر به قتل یک نوجوان ۱۶ ساله شد. سرهنگ کاووس محمدی معاون اجتماعی فرماندهی انتظامی شیراز با اعلام این خبر گفت: «در این حادثه که در اطراف دبیرستان ارسنجانی شیراز اتفاق افتاد، سه دانش آموز ۱۶ و ۱۷ ساله دیگر هم حضور داشتند که هر سه نفر آنها بازداشت شده‌اند.» به گفته او هنوز به درستی مشخص نیست که ضربه نهایی منجر به قتل را کدام یک از این سه نفر به مقتول وارد کرده‌اند و تحقیقات در این رابطه ادامه دارد. به گفته مسئولان آموزش و پرورش شیراز هم این درگیری پس از پایان امتحان و در بیرون دبیرستان ارسنجانی شیراز رخ داده است. مقتول دانش آموز دهم رشته انسانی این دبیرستان بوده که با دو نفر از دانش آموزان دو هنرستان اطراف ویکی از اراذل و اوباش همان منطقه در مسیر بازگشت به خانه درگیر شده و به قتل رسیده است.

یک مامور پلیس در خمینی شهر از شیوه‌ای خلاقانه برای اقرار یک سارق سابقه‌دار استفاده کرد

کبوتر نامه‌رسان چگونه معمای سرقت را حل کرد؟

با صحبت‌های بی‌ربط خودش را بی‌گناه نشان دهد، اما در بازرسی اولیه مشخص شد که داخل گونی ۱۷ کبوتر است. همین موضوع شک مامور پلیس را بیشتر کرد و برای روشن شدن ماجرا مرد مشکوک را به کلانتری برد، اما آن مرد در کلانتری هم به صحبت‌های ضد و نقیض ادامه داد. او در پاسخ ماموران هیچ رد و نشانی از فروشنده کبوترها نداد ولی با این وجود اصرار داشت که این کبوترها را خریداری کرده است، اما بررسی سابقه این مرد نشان می‌داد که او پیش از این هم چندبار به جرم سرقت دستگیر شده است. همین موضوع باعث شد تا پلیس او را به‌طور موقت بازداشت کند، البته آن‌طور که سرهنگ علی جعفری‌نژاد فرمانده انتظامی شهرستان خمینی شهر به «شهروند» می‌گوید این بازداشت با هماهنگی مقام قضایی و به مدت ۲۴ ساعت انجام شد: «ما تنها ۲۴ ساعت

شهروند | کبوتر جلد دست سارق سابقه‌دار را رو کرد. این اتفاق جالب در شهرستان خمینی شهر استان اصفهان رخ داد. در واقع تیزهوشی مامور تجسس یک کلانتری در این شهر باعث شد تا یک سارق حرفه‌ای نتواند از دست ماموران خلاص شود. این ماجرای جالب باعث شد تا صاحب کبوترهای به سرقت رفته همراه با کبوتر نامه‌رسان به کلانتری مراجعه و از مرد سارق شکایت کند. به گفته مقامات انتظامی خمینی شهر، اگر این ترفند برای شناسایی مالباخته کارگر نمی‌افتاد، پلیس مجبور بود مرد سارق را به دلیل نبودشاکي آزاد کند. دوشنبه هفته جاری بود که یکی از ماموران پلیس خمینی شهر در حال گشتزنی در خیابان به مرد مشکوکی برخورد کرد که یک گونی بزرگ همراه خود داشت. مرد مشکوک وقتی پلیس را دید، دستپاچه شد و سعی داشت

عاملان سرقت ۷۰ میلیاردی در سایت دیوار لو رفتند

بزرگترین سرقت سال

متهمان پرونده پس از این دزدی میلیاردی در سفر به شمال چندین شبانه‌روز جشن گرفتند

سیما فراهانی | شبانه‌راهی سرقت شدند. وقتی می‌رفتند هرگز تصورش را هم نمی‌کردند که قرار است بزرگترین سرقتشان را انجام دهند. به صورت اتفاقی زنگ در خانه‌ای در خیابان سپهرودی را زدند؛ با دیدن چراغ‌های خاموش این خانه در طبقه اول می‌دانستند که کسی در آن جا نیست. وقتی مطمئن شدند که خانه خالی است، با شکستن تویی در وارد شدند؛ هنوز هم نمی‌دانستند که چه ثروتی انتظارشان را می‌کشد. آنها به خانه رئیس یکی از اصناف رفته بودند؛ خانه‌ای بدون سیستم‌های امنیتی قطعا نمی‌توانست پول زیادی را نصیب این ۵ سارق کند. با این حال آنها به امید پیدا کردن چند گرم طلا وارد خانه شدند و با دیدن پول و طلا و وسایل لوکس آن جا شوکه شدند. فرش‌ها، ساعت‌ها، پول‌های نقد و طلاهایی که در آن خانه بود، زندگی این سارقان را زیر و رو می‌کرد. مردان سارق بلافاصله با دیدن این همه پول و طلا و وسایل گرانبهاتر رفتند و با یک



رفت و وانت آورد. فرش و ساعت دیواری و پول و طلا را بار زدیم و رفتیم.
وقتی فهمیدید که در آن خانه این همه پول هست، خوشحال شدید؟
 انقدر خوشحال شدیم که بلافاصله به شمال رفتیم و جشن گرفتیم. چندین شبانه‌روز جشن به پا کردیم و می‌گفتیم و می‌خندیدیم. تا به حال آن قدر خوشحال نشده بودیم.
یعنی در آن خانه با این همه پول و طلا هیچ

سیستم امنیتی وجود داشت؟
 نه؛ حتی پول و طلا هم در گاو صندوق نبودند؛ فقط در شان ضد سرقت بود که باز کردن این درها اصلا کاری ندارد و راحت شده است.
تا به حال در هیچ کدام از سرقت‌هایتان پول میلیاردی گیر تا نبامد بود؟
 نه؛ هیچ وقت. ما همیشه پول و طلا می‌دزدیدیم که قیمت آنها هم به میلیارد نمی‌رسید. این نخستین بار بود که چنین

ثروتی نصیبمان می‌شد که پیش از خرج کردن آن گیر افتادیم.

- چه چیزهایی باعث می‌شود که به راحتی وارد خانه‌ها شوید و سرقت کنید؟**
 اول از همه برق خاموش خانه‌ها ما را ترغیب به سرقت می‌کند چون مشخص می‌شود کسی در آن جا نیست. دوم نداشتن سیستم‌های امنیتی مثل دوربین‌های مدار بسته و درهای خاصی که ضد سرقت هستند؛ نه این درهای ضد سرقتی که همه دارند. اتفاقا باز کردن این درها خیلی هم راحت‌تر از درهای معمولی است. بعد از آن هم نبود گاو صندوق و نگهداری پول و طلاها در کتوهای معمولی خانه؛ از اینجور خانه‌ها به راحتی می‌شود سرقت کرد و جالب اینجاست که این خانه‌ها هم درست مثل همین‌ها بود؛ یک خانه معمولی بدون هیچ سیستم امنیتی اما با کلی ثروت و پول.
- وقتی برای دزدی وارد خانه می‌شدید، معمولاً پول و طلاها را کجای خانه پیدایم کردید؟**
 مردم جدیداً برای رد گم کنی پول و طلاهایشان را در جاهای مختلف می‌گذارند؛ اما ما همه آنها را پیدا می‌کردیم. حتی در تولا هم طلا پیدا کردیم که آن را قاچم کرده بودند. یکبار هم در یک خانه همدستم به سراغ یخچال رفت که آب بخورد، در جایخی با کلی طلا مواجه شد که فهمیدیم برای دزدیدنشان آنها را جا گذاشته بودند.
- چطور شد که دستگیر شدید؟**
 کار همدستم باعث شد گیر بگیریم. او وقتی دوباره به آن خانه برگشت و ساعات‌های طلا را برداشت و ساعت‌ها را در سایت دیوار برای فروش گذاشت، همانجا بود که شناسایی و دستگیر شد. با دستگیری همدستم ما هم گرفتار شدیم.

مامور پلیس جازده بودند. مرد همسایه وقتی در را باز کرده بود، آنها به همین بهانه دستبند فلزی که از قبل تهیه کرده بودیم را به دستان شاکي زدند و او را گوشه‌ای از خانه بردند، بعد اسپری به چشمان شاکي زدند و دنبال پول‌ها گشتند. در نهایت ۲۲ هزار دلار و مقداری پول نقد و یک لپ‌تاپ را سرقت کردند.

- هنگام سرقت زن همسایه در خانه نبود؟**
 نه، او سر کار بود. شوهرش بیکار بود و همیشه در خانه می‌ماند.
- با پول‌های سرقتی چه کار کردی؟**
 مقداری از آن را خرج پسر م کرده‌ام. دارم می‌خواستم، باید جراحی هم می‌شد. اما بیشترش ماند. هنوز پول‌ها را خرج نکرده بودم که دستگیر شدم.
- شغل‌ت چه بود؟**
 من نانوا بودم. اگر پسر هم چنین روزی نمی‌افتاد، داشتیم در کنار خانواده زندگی‌مان را می‌کردیم. درآمد هم کافی بود، ولی پسر م سوخت و ما هم بعد از او نابود شدیم.
- چند فرزند داری؟**
 دو پسر و یک دختر دارم.